



علوم انسانی هوای تنفسی
مجموعه‌های نخبه کشور است.

مقام معظم رهبری علیه السلام

هوای تنفسی
نخبین

کندوکاوی در اندیشه مقام معظم رهبری
با موضوع تولید علوم انسانی اسلامی

...

سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور: هوای نفس کشیدن: کندوکاوی در اندیشه مقام معظم رهبری با موضوع تولید علوم انسانی / گردآوری و تألیف: محسن عباسی ولدی؛
مشخصات نشر: قم: آیین فطرت مشخصات ظاهری: ۵۴ ص.: ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک: دوره: ۷-۸۵-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸؛

فهرست مطالب

۷ • درآمد

ضرورت و چرایی تولید علوم انسانی اسلامی

- ۱۱ • روح دانش
- ۱۲ • هوای تنفس جامعه نخبگانی
- ۱۳ • علم نافع
- ۱۴ • عاملی مؤثر بر تحولات جهانی
- ۱۵ • چیزی که هست، چیزی که باید باشد نیست
- ۱۶ • ضدیت مبانی علوم انسانی غربی با دین
- ۱۸ • مضر بودن علوم انسانی غربی به شکل کنونی
- ۱۹ • اللقاء مبانی از طریق علوم انسانی غربی
- ۲۰ • نگرانی از تعداد دانشجویان علوم انسانی
- ۲۲ • علوم انسانی اسلامی و حکومت اسلامی

راهنماها و راهکارهای تولید علوم انسانی اسلامی

- ۲۷ • تدوین مبنای علمی و فلسفی
- ۳۴ • استفاده از شیوه فقهت
- ۳۶ • تلفیق یافته های غربی و یافته های بومی
- ۳۸ • تسلط اساسی بر کارهای دیگران

موانع تولید علوم انسانی

- ۴۱ • تقلید و ترجمه صرف
- ۴۸ • تکرار متون خارجی بدون ایجاد قدرت سؤال و مناقشه
- ۴۹ • مهمل گویی به عنوان نوآوری
- ۵۲ • تولید علم و تزکیه
- ۵۴ • اهمیت تربیت

• | در آمد

بی شک نام مقام معظم رهبری آیت الله سید علی خامنه‌ای رحمته الله علیه از برجسته‌ترین نام‌هایی است که در دوران معاصر در فهرست طلایه‌داران تولید علم می‌درخشد.

ایشان با شناخت عمیق و دقیقی که از موضوع علم و ابعاد گوناگون آن دارند، سال‌هاست که خطاب به حوزه و دانشگاه، از خطرات مصرف‌کننده غرب بودن و لزوم تولید علم بومی، سخن می‌گویند.

اشراف مثال‌زدنی ایشان بر تاریخ علم و اعتقاد مستحکم نسبت به قابلیت دین برای تولید علوم انسانی، جنس حرف‌هایشان را متفاوت از برخی عالمان دیگر کرده است.

دشمنی و بدبینی ایشان به غرب، حاصل یک احساس سطحی و تعصب دینی محض نیست. ایشان با شناخت کامل و کافی، از غرب و دشمن بودن آن با اسلام سخن می‌گویند. این دشمنی و بدبینی آگاهانه، موجب شده که بارها و بارها به خطر غرب از ابعاد مختلف هشدار داده و اندیشمندان، اساتید، دانشجویان و طلاب را به احتیاط بیشتر در برخورد با علوم غربی دعوت کنند.

برخی از افراد در خلأ و بدون در نظر گرفتن واقعیت‌ها در بارهٔ علوم انسانی حرف می‌زنند و در میان سخنان آنها نشانی از نسبت میان علوم انسانی و حکومت دیده نمی‌شود. از آن جایی که مقام معظم رهبری از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در مسندهای گوناگونی حضور داشته و از زاویهٔ حکومت‌داری هم به مقولهٔ علم نگاه می‌کنند، حساسیت‌آشنایی ما با نظرات ایشان در این موضوع را دو چندان می‌کند.

آنچه پیش روی شماست، خلاصه‌ای از انبوه مطالبی است که مقام معظم رهبری در بارهٔ تولید علوم انسانی اسلامی بیان داشته‌اند. هدف از تدوین این مطالب، آشنایی با دورنمایی از زاویهٔ نگاه ایشان به موضوع مهم تولید علوم انسانی اسلامی است. این متن به صورت یک مصاحبهٔ فرضی تنظیم شده تا دقت مخاطب را نسبت به مطالب طرح شده از سوی مقام معظم رهبری بیشتر کند.

کسانی که علاقمند هستند با هندسهٔ فکری ایشان در موضوع علوم انسانی اسلامی بیشتر و کامل‌تر آشنا شوند، می‌توانند کتاب «درآمدی بر علوم انسانی اسلامی» را که از سوی انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده، مطالعه کنند.

امید است این تلاش ناچیز، گامی مفید در راستای آشنایی شما با اندیشهٔ مقام معظم رهبری در موضوع تولید علم باشد.

قم، شهر بانوی کرامت

تابستان ۱۴۰۳

کانون فرهنگی تبلیغی آیین فطرت (مدرسهٔ تربیت و رشد اسلامی)

ضرورت و چرایی تولید علوم انسانی اسلامی

• | روح دانش

اگر بخواهید اهمیت علوم انسانی را در چند جمله بیان کنید تا ما قدر و قیمت آن را بدانیم، علوم انسانی را چگونه توصیف می‌کنید؟^۱

علوم انسانی، روح دانش است. حقیقتاً همه دانش‌ها، همه تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت می‌دهد، مشخص می‌کند که ما کدام طرف داریم می‌رویم، دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این می‌شود که همه تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش می‌رود.^۲

۱. همان طور که در مقدمه بیان شد، سؤالاتی که در این کتابچه آمده، سؤالات فرضی هستند تا مخاطب با دقت بیشتری مطالب طرح شده را مطالعه کند.

۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی؛ ۱۳۹۰/۷/۱۳؛ <https://khl.ink/f/17466>.

از این پس در عناوین پاورقی تنها نام جمع دیدارکننده می‌آید و از تکرار عبارت «بیانات در دیدار» پرهیز می‌شود.



• | علم نافع

با این اندازه از اهمیتی که شما برای علوم انسانی قائل هستید، طبیعتاً باید برای این که در جامعه ما نسبت به علوم انسانی گرایش حداقلی و در مقابل آن نسبت به علوم دیگری مثل مهندسی گرایش حداکثری وجود دارد، نگران بود. درست می‌گوییم؟

یک وقتی چند سال پیش، یکی از دوستانی که در این کارهای آموزش و مانند اینها بود می‌گفت ما در کشور خودمان، به حسب نسبت جمعیت، بیشتر از آمریکا مهندس داریم! آنها روی چه چیزی بیشتر کار می‌کنند؟ روی علوم انسانی؛ چرا؟ برای خاطر اینکه آنچه دنیا را اداره می‌کند علوم انسانی است؛ سیاست است، مدیریت است، اینهاست که دارد سیاست‌های دنیا و حرکت‌های دنیا را پیش می‌برد و اداره می‌کند؛ روی این بیشتر تکیه می‌کنند. حالا من نمی‌خواهم این را توصیه کنم؛ من نمی‌خواهم بگویم جلوی مهندسی را بگیریم یا مثلاً علوم انسانی را چه کار کنیم؛ نه، باید این ملاحظه را کرد که کشور امروز و فردا به چه چیزی احتیاج دارد، ما این جوان را برای چه چیزی بایستی تربیت کنیم. علم نافع، علمی که برای آینده کشور نافع باشد؛ این باید جزو اصلی‌ترین دغدغه‌های مسئولان آموزش و پرورش باشد.^۱

۱. مَعْلَمَان و فرهنگیان؛ ۱۴۰۲/۲/۱۲؛ (<https://khl.ink/f/52723>)

• | هوای تنفس جامعه نخبگانی

از نظر شما نسبت میان نخبگان و علوم انسانی با گرایش انحرافی که از آن یاد کردید چیست؟

علوم انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند. بنابراین آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین کننده است.^۱

۱. مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره مردمی فیلم عمار؛ ۱۳۹۱/۱۲/۱؛ (<https://khl.ink/f/22068>)

• چیزی که هست، چیزی که باید باشد نیست

یکی از سؤالات جدی در بحث تولید علوم انسانی این است: با توجه به این که الان دست ما از علوم انسانی خالی نیست و این علوم در غرب تولید شده، چرا باید خودمان دست به کار بشویم و علوم انسانی بومی با رویکردی دینی تولید کنیم؟

ما می بینیم که در زمینه های مختلف، تحقیق و پژوهش و رسیدن به نظریه در دنیای مادی و دنیای غرب، مبنای قابل قبول و مورد اعتمادی نبوده؛ بخصوص در زمینه علوم انسانی، که در علوم تجربی و در فناوری هم اثر خودش را نشان می دهد. نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده.^۱

علوم انسانی اهمیت دارد. علوم انسانی کنونی در کشور، بومی نیست، متعلق به ما نیست، ناظر به نیازهای ما نیست، متکی به فلسفه ما نیست، متکی به معارف ما نیست، اصلاً ناظر به مسائل دیگری است، مسائل ما را حل نمی کند. دیگرانی طرح مسئله کردند، برای خودشان حل کردند - به درست و غلطش هم کار نداریم - اصلاً از ما بیگانه است.^۲

۱. اساتید دانشگاه؛ ۱۳۸۳/۹/۲۶؛ (<https://khl.ink/f/3263>).

۲. اساتید دانشگاه؛ ۱۳۸۹/۶/۱۴؛ (<https://khl.ink/f/10055>).

• عاملی مؤثر بر تحولات جهانی

ما باید نقش خودمان را در تحولات جهانی به درستی ایفا کنیم. تولید علوم انسانی اسلامی در این جا چه جایگاهی دارد؟

ما در زمینه علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه شناسی، در روان شناسی، در فلسفه؛ آنها هستند که شاخصها را مشخص می کنند. در این زمینه ها ما باید نظریه پردازی های خودمان را داشته باشیم و باید کار کنیم.^۱

۱. اساتید و دانشجویان دانشگاه های شیراز؛ ۱۳۸۷/۲/۱۴؛ (<https://khl.ink/f/3431>).

خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است.^۱ بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادیگری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است.^۲

من در باره علوم انسانی گلایه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم - بارها، این اواخر هم همین جور - ما علوم انسانی‌مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است.^۳ انسان‌شناسی علوم انسانی غربی، ناشی است از انسان‌شناسی غربی؛ این خلاصه مطلب است. نه اینکه ما همه دستاوردهای علوم انسانی را نفی کنیم؛ نه، هرچه قابل استفاده است باید استفاده کنیم. منتها شاکله و ترکیب کلی علوم انسانی‌ای که از غرب آمده، متکی است بر جهان بینی غربی در مورد انسان و انسان‌شناسی غربی که انسان را چیزی می‌دانند، [اما] ما انسان را چیز دیگری می‌دانیم غیر از آنچه تفکر مادی غرب راجع به انسان فکر می‌کند. بنابراین بایستی علوم انسانی اسلامی را [بها بدهیم].^۴

• ضدیت مبانی علوم انسانی غربی بادین

به کسی که می‌گوید علم، مسلمان و غیرمسلمان ندارد، چه پاسخی باید داد؟ به عبارت دیگر برخی معتقدند نباید بحث علم را با مباحث ایدئولوژیک خلط کرد؛ چون علم، علم است و ربطی به اعتقاد انسان ندارد.

علوم انسانی مثل پزشکی نیست، مثل مهندسی نیست، مثل فیزیک نیست که جهان بینی و نگرش نسبت به انسان و جهان در آن تأثیر نداشته باشد؛ چرا، تأثیر دارد. شما مادی باشید، یک جور علوم انسانی تنظیم می‌کنید. علوم انسانی ما برخاسته از تفکرات پوزیتیویستی قرن پانزده و شانزده اروپاست.^۱

پایه و مبنای علوم انسانی‌ای که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضد دینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند.^۲ علوم انسانی غرب، مبتنی بر جهان بینی دیگری است، مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است.

۱. اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم؛ ۱۳۸۹/۸/۲؛ (https://khl.ink/f/26418).
۲. اساتید دانشگاه؛ ۱۳۸۳/۹/۲۶؛ (https://khl.ink/f/3263).

۱. بانوان قرآن پژوه؛ ۱۳۸۸/۷/۲۸؛ (https://khl.ink/f/8259).

۲. اساتید دانشگاه؛ ۱۳۸۸/۶/۸؛ (https://khl.ink/f/7959).

۳. بانوان قرآن پژوه؛ ۱۳۸۸/۷/۲۸؛ (https://khl.ink/f/8259).

۴. اساتید دانشگاه؛ ۱۳۹۵/۳/۲۹؛ (https://khl.ink/f/33445).

• مضربودن علوم انسانی غربی به شکل کنونی

با توجه به این نکته‌ها، یعنی به نظر شما علوم انسانی غیرمفید هستند؟ یعنی ما نیازی به علمی مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مدیریت و... نداریم؟

ما نمی‌گوییم علوم انسانی، غیرمفید است؛ ما می‌گوییم علوم انسانی به شکل کنونی مضربودن است؛ بحث سر این است... بحث سر این نیست که ما جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا علم مدیریت یا تعلیم و تربیت نمی‌خواهیم یا چیز خوبی نیست یا فایده‌ای ندارد. چرا؛ قطعاً خوب است؛ قطعاً لازم است. من یکی از حرف‌هایی که دارم، همین رشته تعلیم و تربیت در حوزه است. بحث در این نیست که این علوم مفید نیست؛ بحث در این است که اینی که امروز در اختیار ما قرار دادند، مبتنی بر یک جهان بینی است غیر از جهان بینی ما.^۱

۱. اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیّه قم؛ ۱۳۸۹/۸/۲؛ (<https://khl.ink/f/26418>)

• اللقاء مبانی از طریق علوم انسانی غربی

من این طور می‌فهمم که علوم انسانی غربی، مبانی و نوع نگاه ایدئولوژیک خود را در غالب اصول و روش‌های خودش به مخاطب القا می‌کند. درست می‌فهمم؟

قبلاً که علوم انسانی‌ای وجود نداشته است؛ آنها آمده‌اند همین اقتصاد را، همین جامعه‌شناسی را در قرن هجدهم و نوزدهم و یک خرده قبل، یک خرده بعد تدوین کردند و ارائه دادند؛ خب، این به درد ما نمی‌خورد. این علوم انسانی، تربیت‌شده و دانش‌آموخته خود را آن چنان بار می‌آورد که نگاهش به مسائل مبتلابه آن علم و مورد توجه آن علم - چه حالا اقتصاد باشد، چه مدیریت باشد، چه تعلیم و تربیت باشد - نگاه غیر اسلامی است. می‌بینیم همان شخص متدین در داخل دانشگاه که فرض کنید مدیریت یا اقتصاد خوانده، هرچه با او در باره مبانی دینی این مسائل حرف می‌زنیم، به خرجش نمی‌رود. نه اینکه رد می‌کند، نه؛ اما آنچه که شما در باب اقتصاد اسلامی با او حرف می‌زنید، با یافته‌های علمی او، با آن دو دو تا چهار تا‌هایی که او در این علم تحصیل کرده، جور در نمی‌آید.^۱

۱. همان.

و بخواهد جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا مدیریت یا غیره درس بدهد، مگر چقدر داریم که این همه دانشجو برای این رشته‌ها می‌گیریم؟ این نگران‌کننده است. بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادیگری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های خودمان را در قالب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی نیست. این از جمله چیزهایی است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد؛ هم در مجموعه‌های دولتی مثل وزارت علوم، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی، هم در هر مرکز تصمیم‌گیری که در این جا وجود دارد؛ اعم از خود دانشگاه‌ها و بیرون دانشگاه‌ها. به هر حال نکته بسیار مهمی است.^۱

• نگرانی از تعداد دانشجویان علوم انسانی

با وجود این خطر نظر شما در باره پذیرش این همه دانشجویی که در دانشگاه‌های کشور در رشته‌های مختلف علوم انسانی پذیرش می‌شوند چیست؟

طبق آنچه که به ما گزارش دادند، در بین این مجموعه عظیم دانشجویی کشور که حدود سه میلیون و نیم مثلاً دانشجوی دولتی و آزاد و پیام نور و بقیه دانشگاه‌های کشور داریم، حدود دو میلیون اینها دانشجویان علوم انسانی‌اند! این به یک صورت، انسان را نگران می‌کند. ما در زمینه علوم انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد مبرزی که معتقد به جهان بینی اسلامی باشد

۱. اساتید دانشگاه: ۱۳۸۸/۶/۸ (https://khl.ink/f/7959).

مسائل علوم انسانی، غیر از مسائل سایر دانش‌ها و علوم صرف و از این قبیل چیزهاست. اینها مسائلی است که موضوعاتشان در- به اصطلاح- آمیختگی با دین یا ناآمیختگی با دین، نتایج دوگانه‌ای دارد. نمی‌شود جامعه، حکومت و نظام، اسلامی باشد؛ اما در بخشی از این نظام، استاد یا مدیر و یا مجموعه‌ای باشد که به مسائل اسلامی بی‌اعتنا باشد، یا در جهت عکس آن حرکت کند و یا جهت عکس آن را ترویج نماید. نسبت به این قضیه، باید خیلی حساس بود. این، آن توصیه‌ای است که می‌خواهم عرض کنم. باید تلاش کرد برای این که علوم انسانی را بر پایه‌های اسلامی، با دید اسلامی، با تفکر اسلامی، و مبتنی بر جهان بینی اسلامی تدوین کنیم.^۱

اساتید و صاحب نظران و پژوهشگران و محققین باید به دنبال تدوین علوم انسانی منطبق با مبانی اسلام بروند؛ یعنی علوم انسانی‌ای که بر اساس فلسفه‌های نادرست و غلط مادی شکل نگرفته باشد؛ همچنان که امروز علوم انسانی غربی این جوری است. بالاخره اگر علوم سیاسی یا اقتصادی یا فلسفه یا مدیریت و بقیه علوم انسانی، مبتنی بر نگرش مادی به دنیا باشد و با ارزش‌های مادی بنا شده باشد، طبعاً نمی‌تواند خواسته‌ها و آرمان‌های جامعه‌ای را که مسلمان و مؤمن به معارف اسلامی هستند، برآورده کند.^۲

• علوم انسانی اسلامی و حکومت اسلامی

با توجه به این که سال‌ها از انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی می‌گذرد، از نگاه شما چه تسبیتی میان تولید علوم انسانی اسلامی با نظام اسلامی وجود دارد؟

اینکه بنده در باره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم- هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان- به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رایج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند.^۱

۱. طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم؛ ۱۳۸۹/۷/۲۹؛ (https://khl.ink/f/10357)

۱. اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۷۱/۹/۱۹؛ (https://khl.ink/f/17189)

۲. دانشجویان؛ ۱۳۸۹/۵/۳۱؛ (https://khl.ink/f/9925)

راهبردها و راهکارهای تولید علوم انسانی اسلامی



• | تدوین مبنای علمی و فلسفی

اگر بخواهیم کار تولید علوم انسانی اسلامی را شروع کنیم، به نظر شما اساسی ترین کار در این مسیر چیست؟

به نظر بنده اساسی ترین کار این است که مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باید تدوین بشود؛ این کار اساسی و کار اولی است که بایستی انجام بگیرد.^۱

۱. اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۹۲/۹/۱۹؛ <https://khl.ink/f/24721>.

اگر می‌شود در بارهٔ این مبنا، کمی بیشتر برایمان توضیح بدهید.

حقیقتاً ما نیازمند آن هستیم که یک تحوّل بنیادین در علوم انسانی در کشور به وجود بیاید. این به معنای این نیست که ما از کار فکری و علمی و تحقیقی دیگران خودمان را بی‌نیاز بدانیم - نه، برخی از علوم انسانی ساخته و پرداختهٔ غربی‌هاست؛ در این زمینه کار کردند، فکر کردند، مطالعه کردند، از آن مطالعات باید استفاده کرد - حرف این است که مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیرتوحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست. علوم انسانی آن وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کنندهٔ صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانش‌های علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد. البته این کار، کار شتاب‌آلودی نیست - کار بلندمدتی است، کار مهمی است - منتها دوستانی هم که مشغول این کار هستند، لازم است سرعت متناسب را به این کار بدهند، یعنی ضمن اینکه نباید در این کار شتاب‌زدگی کرد، عقب‌ماندگی هم در این کار مطلوب نیست و مورد قبول نیست؛ بایستی کار بشود.^۱

۱. اساتید دانشگاه؛ ۱۳۹۳/۴/۱۱؛ (https://khl.ink/f/26859)

این کار با این اندازه از اهمیت به صورت مشخص باید به دست چه کسانی انجام بگیرد؟

به دست آدم‌های خبره، به دست آدم‌های وارد، به دست انسان‌های اهل تعمّق و کسانی که اهلیت ایجاد راه‌های نور دارند؛ نیمه‌سوادها و آدم‌های ناوارد و مدّعی نمی‌توانند کاری انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ اینها همه یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاده باید حرکت کرد.^۱

اصلاح در علوم انسانی و تحول در سینما و تلویزیون بدون اصلاح پایه‌های معرفتی علوم انسانی غربی امکان‌پذیر نیست و اصلاح این پایه‌ها نیز در گرو ارتباط مؤثر با حوزه‌های علمیه و علمای دین است.^۲ حوزهٔ علمیه باید پایه‌های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلام را مستحکم بریزد.^۳

۱. بیست و هفتمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)؛ ۱۳۹۵/۳/۱۴؛ (https://khl.ink/f/33259)

۲. مسئولان و دست‌اندرکاران جشنوارهٔ مردمی فیلم عمار؛ ۱۳۹۱/۱۲/۱؛ (https://khl.ink/f/22068)

۳. اساتید و فضلا و طلاب نخبهٔ حوزهٔ علمیه قم؛ ۱۳۸۹/۸/۲؛ (https://khl.ink/f/26418)

حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون.^۱

در تمام بخش‌های مربوط به علوم انسانی و مسایل فلسفی و تاریخی و جغرافیایی و دیگر علوم، باید مجمع کوچکی از آدم‌هایی که دیگر هیچ شک و تردیدی در تسلط آنها نباشد، تشکیل شود تا پرداخت نهایی را روی متن‌ها انجام دهند.^۲

باید متون علمی را خواند و دانش را از هرکسی فراگرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود، با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلاب‌های علمی در دنیا این‌گونه به وجود آمده است.^۳

امروز خوشبختانه ما دانشمندان جوان مؤمن و تحصیل‌کرده‌های باایمان داریم که می‌توانند یک حرکت علمی فراگیر و به معنای واقعی کلمه، در عرصه علوم انسانی به وجود آورند؛ از اینها باید استفاده بشود.^۴

یعنی شما معتقدید که از متن‌داشته‌های خودمان می‌توانیم مبانی علوم انسانی را استخراج کنیم؟

شکی نیست که بسیاری از علوم انسانی، پایه‌ها و مایه‌های محکمی در اینجا دارد؛ یعنی در فرهنگ گذشته خود ما. برخی از علوم انسانی هم تولیدشده غرب است؛ یعنی به عنوان یک علم، وجود نداشته، اما غربی‌ها که در دنیای علم پیشروی کرده‌اند، اینها را هم به وجود آورده‌اند؛ مثل روان‌شناسی و علوم دیگر. خیلی خوب، ما، هم برای سرجمع کردن، مدون کردن، منظم کردن و نظام‌مند کردن آنچه که خودمان داریم، به یک تفکر و تجربه علمی احتیاج داریم، هم برای مواد و پایه‌هایی که آنها در این علم جمع آورده‌اند، به یک نگاه علمی احتیاج داریم.^۱

۱. همان.

۱. طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم؛ ۱۳۸۹/۷/۲۹؛ <https://khl.ink/f/10357>.

۲. اعضای بنیاد دایرة المعارف اسلامی؛ ۱۳۶۸/۷/۳۰؛ <https://khl.ink/f/2208>.

۳. دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ ۱۳۷۹/۱۲/۹؛ <https://khl.ink/f/3053>.

۴. اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹؛ <https://khl.ink/f/3328>.

اگر کمی واضح‌تر بخواهیم در این باره صحبت کنیم، قاعدتا باید به صورت مشخص به این سؤال جواب بدهیم که مبانی و زیرساخت‌های علوم انسانی اسلامی را دقیقاً باید از کجا به دست آورد؟

من در باره علوم انسانی گلیه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم - بارها، این اواخر هم همین جور - ما علوم انسانی‌مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف اینها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقایق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد.^۱

۱. بانوان قرآن‌پژوه؛ ۱۳۸۸/۷/۲۸؛ (https://khl.ink/f/8259)

اساتید و صاحب‌نظران و پژوهشگران و محققین باید به دنبال تدوین علوم انسانی منطبق با مبانی اسلام بروند؛ یعنی علوم انسانی‌ای که بر اساس فلسفه‌های نادرست و غلط مادی شکل نگرفته باشد؛ همچنان که امروز علوم انسانی غربی این جوری است.^۱

ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص، نقش ایفا کنند. این جا از آن جاهایی است که ما باید به تولید علم برسیم.^۲

۱. دانشجویان؛ ۱۳۸۹/۵/۳۱؛ (https://khl.ink/f/9925)

۲. اساتید دانشگاه؛ ۱۳۸۲/۰۸/۰۸؛ (https://khl.ink/f/3201)

• استفاده از شیوه فقاقت

یکی از مباحث مهم در بحث تولید علم، روش تولید علم از متون است. ما واقعا این روش را داریم؟

فقه ما اسلوب بسیار متقن و محکمی دارد؛ آن اسلوب همان چیزی است که به آن فقاقت می‌گوییم. فقاقت، یک شیوه برای استنباط و درک احکام الهی و اسلامی است. شیوه فهم معارف احکام از کتاب و سنت، که چگونه و با چه ابزاری مطلب را بفهمیم، شیوه فقاقت نام دارد. این شیوه، شیوه بسیار رسایی است و این منبع عظیمی که در اختیار ماست - یعنی کتاب و سنت و دستاوردهای فکری گذشتگان - مواد اولیه آن است. با این شیوه و در این قالب‌ها، می‌شود تمام نیازهای بشر را استخراج کرد و در اختیار بشریت گمراه گذاشت. امروز ما خیلی احتیاج داریم که از این شیوه استفاده بهینه کنیم.^۱

۱. روحانیان؛ ۱۳۷۰/۱۲/۱؛ (https://khl.ink/f/2590).

یعنی از نگاه شما هر کسی که می‌خواهد وارد مسیر تولید علم شود، باید به معنای مصطلح، فقیه شود و در نتیجه وارد حوزه علمیه بشود؟

نمی‌خواهم بگویم هر کس می‌خواهد پژوهش قرآنی کند، برود سالها درس طلبگی بخواند؛ مراد من این نیست، اما پژوهش قرآنی بدون اینکه انسان مقدمات و مبادی فهم قرآن را که از جمله‌ی آنها همین آشنائی با زبان، آشنائی با نکات و دقائق زبان، آشنائی با بعضی از مبانی اصول فقه است - که اینها جزو چیزهای لازم است - اینها را باید فهمید؛ و استفاده‌ی از روایاتی که در ذیل قرآن هست. اینها همه در پژوهشهای قرآنی مؤثر است.^۱

۱. بانوان قرآن پژوه؛ ۱۳۸۸/۷/۲۸؛ (https://khl.ink/f/8259).

و میراث عظیم و عمیق شما، به شما چه می‌گوید. امروز غربی‌ها یک منطقه ممنوعه‌ای در زمینه علوم انسانی به وجود آورده‌اند؛ در همه بخش‌های مختلف؛ از اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بگیرید تا تاریخ و ادبیات و هنر و حتی فلسفه و حتی فلسفه دین. یک عده آدم ضعیف‌النفس هم دل‌باخته اینها شده‌اند و نگاه می‌کنند به دهن اینها که ببینند چه می‌گویند؛ هرچه آنها گفته‌اند، برایشان می‌شود وحی منزل؛ این است که بد و غلط است. مثلاً چند تا فکر دارای اقتدار علمی، در یک نقطه دنیا به یک نتیجه‌ای رسیده‌اند، این معنایش این نیست که هرآنچه که آنها فهمیده‌اند، درست است! شما به مبانی خودتان نگاه کنید؛ ما تاریخ، فلسفه، فلسفه دین، هنر و ادبیات، و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آنها را ساخته‌اند و به صورت یک علم در آورده‌اند - یعنی یک بنای علمی به آن داده‌اند - مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد. باید یک بنای این چنینی و مستقل بسازیم.^۱

• تلفیق یافته‌های غربی و یافته‌های بومی

آیا شما با هرگونه تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی مخالفید؟

گرفتن پایه‌های یک علم از یک مجموعه خارج از محدوده مورد قبول ما، به معنای قبول نتایج آن نیست. مثل این می‌ماند که شما یک کارخانه را وارد می‌کنید، آنها با این کارخانه یک چیز بد درست می‌کرده‌اند، حالا شما با آن کارخانه، یک چیز خوب درست می‌کنید؛ هیچ اشکالی ندارد. ما تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی، اگر به معنای مجذوب شدن، دل‌باخته شدن، مغلوب شدن و جوّزده شدن در مقابل آن علوم نباشد، قبول داریم و اشکال ندارد. ببینید در علوم انسانی، تفکر ایمانی

۱. اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹؛ (kh1.https://)؛ (ink/f/3328).

• تسلط اساسی بر کارهای دیگران

مقصود شما از این حرف‌ها این نیست که باید به یافته‌های دیگران و به صورت ویژه غربی‌هایی اعتنا بود؟

علوم انسانی، دو سه قرن است که در دنیا ابداع شده و اشخاصی روی آن فکر کرده‌اند، کار کرده‌اند، مسائلی را به وجود آورده‌اند؛ بعضی هم که [ابداع آنها] به قرن نمی‌رسد، چندین دهه است که دارند روی آن کار می‌کنند؛ یعنی به اصطلاح چیزهایی جزو علوم مختلف انسانی هستند که برای ما حکم واردات را پیدا می‌کند؛ حالا غیر از فلسفه و ادبیات و مانند این چیزهایی که مربوط به خود ماست، مسائلی به وجود آمده، سرفصل‌هایی تولید شده، روی آن کار شده، فکر شده، نقد شده، چند لایه رد و بدل شده - این کارها انجام گرفته - ما حالا می‌خواهیم وارد بشویم و این مسائل را از آن ریشه به اصطلاح غیردینی یا بعضاً ضدّ دینی آن جدا کنیم و به یک منشأ قرآنی و یک منشأ دینی و وحیانی متصل کنیم. خب این خیلی مهم است؛ این یک تسلط اساسی بر کارهای دیگران لازم دارد؛ ما باید بدانیم که دیگران در این زمینه‌ها چه کرده‌اند. [دانستن] کارهایی که آنها انجام داده‌اند، پیشرفت‌هایی که آنها انجام داده‌اند، از مسائلی است که مورد نیاز است؛ باید کار بشود.^۱

۱. دست‌اندرکاران اولین کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی؛ ۱۳۹۶/۳/۱؛ <https://khl.ink/f/38352>

موانع تولید علوم انسانی

• تقلید و ترجمه صرف

یکی از مسائل مهمی که تا کنون از بیانات شما معلوم شد این است که در مسیر تولید علوم انسانی بر مبنای دینی، نوع نگاه ما به علوم انسانی غربی بسیار تعیین کننده است. به صورت مشخص چه نوع نگاهی در این مسیر می تواند نقش یک مانع بزرگ برای رسیدن به هدف مطلوب را ایفا کند؟

در دوران ورود دانش جدید به کشور ما، آنچه که وارد شد، عبارت بود از تقلید و ترجمه. البته منظورم ترجمه یک اثر ارزشمند نیست - که یک کار لازم است - منظورم فکر و ذائقه و روحیه ترجمه ای است؛ یعنی قدرت ابتکار را از یک ملت گرفتن؛ شجاعت حرف نورا از یک ملت گرفتن؛ همه اش توی سر او زدن؛ به او این طور تلقین کردن که اگر می خواهی به جایی برسی و آدم شوی، باید همان کاری را بکنی که غربی ها کردند و از آن سر سوزنی تخطی نکنی! به مردم ما و محیط های علمی، این گونه یاد دادند. اجازه ابتکار و نوآوری و خلاقیت علم را ندادند. علم و فکر را باید تولید کرد.^۱

۱. جوانان استان اصفهان؛ ۱۳۸۰/۸/۱۲؛ (<https://khl.ink/f/3092>).



ما بخصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی مُنزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار نگرفته‌ایم؛ در حالی که این روش، روش غلطی است.^۱

یعنی شما با شاگردی کردن در نزد غربی‌ها و یادگیری علوم آنها مخالفید؟

این را بارها گفته‌ام و همه هم می‌دانند؛ گفتیم ما ننگمان نمی‌کند که از آن کسی که دارای علم است یاد بگیریم و شاگردی کنیم؛ اما شاگردی یک حرف است، تقلید یک حرف دیگر است! تا کی دنباله‌رو علم این‌وآن باشیم؟ چرا در زمینه علوم انسانی وقتی گفته می‌شود که بنشینیم فکر کنیم و علوم انسانی اسلامی را پیدا کنیم، یک عده‌ای فوراً برمی‌آشوبند که «آقا! علم است.»^۱

۱. اساتید، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها؛ ۱۳۹۷/۰۳/۲۰؛ (https://khl.ink/f/39877).

۱. اساتید دانشگاه؛ ۱۳۸۲/۸/۸؛ (https://khl.ink/f/3201).

اصلاً بر فرض که بپذیریم همیشه باید شاگرد بود، آیا غرب معلم باوفایی در زمینه آموزش علوم است؟

درهای بسیاری از این دانش‌ها بر روی کشورهایی مثل کشور ما و غیردارندگان بسته است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده است و از نویی و طراوت افتاده است. البته در همه زمینه‌ها همین‌طور است؛ در زمینه‌های علوم انسانی هم همین‌طور است.^۱

۱. مسئولان جهاد دانشگاهی؛ ۱۳۸۳/۴/۱؛ (https://khl.ink/f/3236).

تبلیغاتی که غرب روی محصول علمی خود انجام داده و می‌دهد، چقدر روی این خودباختگی اثر دارد؟

امروز غربی‌ها یک منطقه ممنوعه‌ای در زمینه علوم انسانی به وجود آورده‌اند؛ در همه بخش‌های مختلف؛ از اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بگیرید تا تاریخ و ادبیات و هنر و حتی فلسفه و حتی فلسفه دین. یک عده آدم ضعیف‌النفس هم دل باخته اینها شده‌اند و نگاه می‌کنند به دهن اینها که ببینند چه می‌گویند؛ هر چه آنها گفته‌اند، برایشان می‌شود وحی منزل؛ این است که بد و غلط است.^۱

۱. اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹؛ (https://khl.ink/f/3328).

می‌شود این باور و خودباختگی را بخشی از تهاجم فرهنگی غرب علیه ما به شمار آورد؟

من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را تا این جا بلند کند. خیال می‌کنند بنده با موی بلند تا این جا مخالفم. مسأله تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی‌بندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر این است که اینها در طول سال‌های متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه فلانی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه فلانی است. یعنی آن‌طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب این جاست که آن نظریات کهنه و منسوخ می‌شود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می‌گیرند! ده‌ها سال است که نظریات پوپر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و ده‌ها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته‌اند؛ اما در سال‌های اخیر آدم‌هایی پیدا شدند که با

ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سال‌های متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرف‌های جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده‌ای هنوز وقتی می‌خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه قدیمی نگاه می‌کنند! اینها دو عیب دارند: یکی این که مقلدند، دوم این که از تحولات جدید بی‌خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه خود نگه داشته‌اند و امروز به جوان‌های ما می‌دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می‌کنند!^۱

۱. دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان؛ ۱۳۸۳/۴/۱۷؛ <https://khl.ink/f/3243>.

• تکرار متون خارجی بدون ایجاد قدرت سؤال و مناقشه

وجود و عدم وجود روحیه نقادی و مناقشه در علوم انسانی غربی چه نقشی در تولید علوم انسانی اسلامی دارد؟

آن چیزی که در فضای علمی ما مشاهده می‌شود - که به نظر من یکی از عیوب بزرگ محسوب می‌گردد - این است که ده‌ها سال است که ما متون فرنگی و خارجی را تکرار می‌کنیم، می‌خوانیم، حفظ می‌کنیم و بر اساس آنها تعلیم و تعلّم می‌کنیم؛ اما در خودمان قدرت سؤال و ایجاد خدشه نمی‌یابیم! باید متون علمی را خواند و دانش را از هرکسی فراگرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود، با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلاب‌های علمی در دنیا این‌گونه به وجود آمده است.^۱

واقعاً این عیب است که ما بیست سال، بیست و پنج سال سرفصل فلان دانش را اصلاً تغییر نداده باشیم؛ این نشان‌دهنده عدم جرأت ورود در مناقشه است؛ این همین چیزی است که ما از آن بیمناکیم. جرأت ندارند که مناقشه کنند؛ همان را که هست، درس دادند، باز هم درس می‌دهند؛ ده سال دیگر هم ممکن است همان را درس بدهند؛ در حالی که به تعبیر این برادر محترم، هر پنج سال در علوم انسانی گاهی تغییرات عمده‌ای به وجود می‌آید؛ لااقل در بعضی از علوم انسانی حتماً این جور است.^۲

۱. دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ ۱۳۷۹/۱۲/۹؛ (https://khl.ink/f/3053).

۲. اساتید دانشگاه‌ها؛ ۱۳۸۹/۶/۱۴؛ (https://khl.ink/f/10055).

• مهمل‌گویی به عنوان نوآوری

شاید بعضی‌ها هم از این همه تأکید شما نسبت به تولید علوم انسانی اسلامی احساس وظیفه کنند و بدون داشتن پیش‌نیازهای لازم، وارد این عرصه شوند. توصیه شما به این افراد چیست؟

من کسی را به آنارشیزم علمی و به مهمل‌گویی علمی توصیه نمی‌کنم. در هر زمینه‌ای، کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری کنند، به مهمل‌گویی می‌افتند. ما در زمینه برخی از علوم انسانی و معارف دینی این را می‌بینیم. آدم‌های ناوارد بدون این‌که از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می‌شوند و حرف می‌زنند و به خیال خودشان نوآوری می‌کنند؛ که در واقع نوآوری نیست، مهمل‌گویی است.^۱

۱. دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ ۱۳۷۹/۱۲/۹؛ (https://khl.ink/f/3053).

از نگاه جنابعالی نقش اساتید غرب‌گرا در این میان چه اندازه است؟

اساتیدی هستند که فرآورده‌های اندیشه‌های غربی در علوم انسانی، بت آنهاست. در مقابل خدا می‌گویند سجده نکنید؛ اما در مقابل بت‌ها به راحتی سجده می‌کنند؛ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان‌طوری که متناسب با آن بت خود او است، می‌سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این‌طور افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هر چه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضر است.^۱

من آن‌روز به دوستانی که در زمینه‌های اقتصاد و مدیریت‌های گوناگون کشوری کار می‌کنند و در این جا بودند، گفتم که مطالبی را امروز بعضی‌ها در این جا دنبال می‌کنند، که منسوخ شده است. نظریات برتر آنها به بازار آمده و مورد عمل قرار گرفته و آنها مشغول کار هستند، ولی تعدادی در این جا - کسانی که مجذوب حرف آنها هستند - تازه دارند آن دنباله‌ها را مطرح می‌کنند؛ بعضی می‌گویند تعبد پیش خدای متعال و پیش دین نداشته باشیم، اما خودشان در مقابل غرب و در مقابل اروپا و امریکا تعبد دارند؛ این افراد تعبد در مقابل خدا را قبول نمی‌کنند، ولی تعبد در مقابل سرمایه‌داری غرب و دستگاه‌های قدرت سیاسی متکی به آن سرمایه‌داری را با جان و دل می‌پذیرند!^۲

۱. اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹؛ (http://khl.ink/f/3328).

۲. مسئولان جهاد دانشگاهی؛ ۱۳۸۳/۴/۱؛ (http://khl.ink/f/3236).

توصیه شما به دستداران تولید علوم انسانی اسلامی در برابر این خودباختگی‌ها چیست؟

مواظب باشید دچار آن بت‌پرستی نشوید؛ آن کسی که در فلسفه، اقتصاد، علوم ارتباطات و سیاست، همان حرفی که از دهن یک متفکر غربی درآمده، آن را حجت می‌داند؛ حالا گاهی اوقات آن حرف هم در خود غرب نسخ شده؛ از این نمونه‌ها ما زیاد هم داریم. یک مطلبی را چهل، پنجاه سال پیش، یک فیلسوف اجتماعی یا سیاسی در غرب گفته و بعد آمدند ده تا نقد بر آن نوشته‌اند؛ این آقا تازه به حرف آن پنجاه سال قبل دست یافته و به عنوان حرف نو، به داخل کشور می‌آورد و با به به و چه چه آن را به خورد دانشجویان شاگرد و محیط خودش می‌دهد.^۱

۱. اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹؛ (http://khl.ink/f/3328).

ابتدا قرائت کردند: «وَقَرَأْتِ كَرْدَنْد: «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ (جمعه/۲)»، وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ (جمعه/۲)»، خدای متعال پیغمبر را فرستاد، تا او تعلیم بدهد و تزکیه کند. بنابراین، تعلیم و تزکیه با یکدیگر است؛ این دو را از هم جدا نکنید. این باور که هر کسی وارد میدان علم شد، به طور طبیعی بایستی از فضیلت و معنویت و اخلاق کناره بگیرد، فکری کاملاً غلط و وارداتی و متکی به پیشینه‌ای است که در اروپای مسیحی به وجود آمد و بکلی با محیط اسلامی و با فهم و تعلیم اسلامی سازگار نیست؛ چرا که اگر دانشمند با فضیلت و با اخلاق باشد؛ در هر رشته‌ای، از آن می‌توان امید برای اعتلای بشریت و اعتلای کشور خودش داشت؛ این دانشمند هدف‌ها را هدف‌های ارزشمند می‌کند و حرکتش حرکت به نفع انسانیت و به نفع عدالت و به نفع فضیلت و در جهت مقابله نابسامانی‌های عجیب دنیای امروز خواهد شد. شما سعی کنید این جور دانشمندانی در آینده باشید و هدف خودتان را این مسائل قرار دهید؛ انسان‌هایی باشید که می‌توانند چرخ دنیا را در جهت درست به حرکت دریاورند؛ این را برای خودتان هدف قرار دهید؛ و این ممکن است؛ البته باید کارهای مقدماتی فراوانی برای رسیدن به آن هدف انجام بگیرد.^۱

غیرقابل انتشار

• تولید علم و تزکیه

نقش تهذیب و اخلاق را در روند تولید علوم انسانی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شما جوان‌های عزیز توجه کنید که ورود در میدان معرفت علمی - حالا هر علمی؛ چه علوم انسانی، چه علوم قرآنی، چه علوم طبیعی یا انواع و اقسام علمی که امروز شماها در آن تلاش و کار می‌کنید - و ورود در میدان تحقیق علمی باید شما را از غور و پیشرفت در میدان معرفت دینی، تمرین اخلاقی و کسب فضیلت باز ندارد؛ باید اینها را با هم داشته باشید. این آیه‌ای که این برادر عزیزمان در

۱. نخبگان علمی؛ ۱۳۸۳/۷/۵؛ (https://khl.ink/f/3251).



• اهمیت تربیت

از آن جایی که دغدغه اصلی ما در میان علوم انسانی اسلامی، تولید علوم تربیتی است، دوست داریم در چند جمله نگاه شما را به مسئله تعلیم و تربیت بدانیم.

مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت، مسئله اول در نظام ماست. برای بلندمدت، هیچ چیز در کشور اهمیت تعلیم و تربیت را ندارد.^۱ مهم ترین موضوع تمدنی ما تعلیم و تربیت است.^۲ مسئله تعلیم و تربیت، مسئله زندگی بخشیدن و ولادت بخشیدن به یک مخاطب و یک انسان است.^۳

۱. وزیر و معاونان وزارت آموزش و پرورش و جمعی از معلمان و دانش آموزان استان تهران؛ ۱۳۶۸/۳/۲۶؛ (<https://khl.ink/f/2096>).

۲. معلمان و فرهنگیان؛ ۱۳۹۸/۲/۱۱؛ (<https://khl.ink/f/42410>).

۳. معلمان و فرهنگیان؛ ۱۳۹۲/۲/۱۸؛ (<https://khl.ink/f/22515>).



با ورود به سایت زیر کتاب را درپ منزل تحویل بگیرید:

■ www.ketabefetrat.com ■



برای مشاهده وبگاه‌ها و کانال‌های ما در فضای مجازی
اسکن کنید:

